

نهیض حرفه‌گرایی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۱۸

تاریخ پذیرش و انتشار: ۱۳۹۴/۱۱/۱۱

دکتر سعید صفایی موحد^۱

شروع نهیض حرفه‌گرایی

برنامه‌های درسی حرفه‌ای دارای قدمتی چند هزار ساله به اندازه خود تعلیم و تربیت هستند. انسان عصر باستان از طریق مشاهده و تقلید رفتارهای بزرگسالان به جمع‌آوری غذا، ساختن سرپناه، و تهیه ابزار و لوازم ضروری زندگی می‌پرداخت. در مصر باستان حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح دانش‌آموزان در کنار بزرگترهای با تجربه‌تر از خود به عنوان کارآموز فعالیت می‌کردند (بی‌یلی، ۲۰۱۰). در برخی مناطق دیگر این صنعتگران بودند که مهارت‌هایی تخصصی چون سنگ تراشی را آموزش می‌دادند. در قرون وسطی کارگران ماهری که از ابزار کار برخوردار بودند به نقاط مختلف سفر می‌کردند تا هر کاری که از دستشان برمی‌آید را انجام دهند. آنها اتحادیه‌های صنفی برای خودشان تشکیل می‌دادند تا رمز و رموز کارشان را به یکدیگر انتقال دهند و تعداد افرادی که می‌خواهند بدان‌ها ملحق شوند را کنترل کنند. در خلال دوران استعمار آمریکا توسط انگلستان، کارآموزی به یک شیوه رایج آموزش حرفه‌ای تبدیل شد که توسط نهادهای رسمی هدایت می‌گشت (کای سیلکا، ۲۰۱۰). در این دوران صنعتگران و تجار آموزش‌های بلندمدتی را به منظور آموختن یک مهارت یا تجارت خاص ارائه می‌دادند. این نوع آموزش‌ها به طور معمول شامل سال‌ها بردگی و رعیتی می‌شد و غالباً فرزندان خانواده‌های فقیر و بی‌سرپرست بودند که با درآمدی اندک به این شیوه یادگیری و کار تن در می‌دادند (موریس، ۲۰۱۰).

اما تحولات عمده‌ای که در اواخر قرن نوزدهم در اقتصاد آمریکا بوجود آمد باعث شد تا ارتباط مدرسه با محیط کار تغییرات عمده‌ای به خود ببیند که حتی تا امروز نیز در شکل‌گیری برنامه‌های درسی این حوزه تأثیرگذاری خود را حفظ کرده است. در این دوران کارخانه‌های بزرگی که در مناطق شهری تأسیس شدند به تدریج واحدهای کوچک کسب و کار و مزارع خانوادگی را کنار زدند و خود به ابزار اصلی تولید اقتصادی تبدیل شدند. با توجه به اینکه در این دوره مهارت‌های کاری و صنعتی گذشته به فعالیت‌های غیر مهارتی و یکنواخت در خط مونتاژ کارخانجات تبدیل شده بودند مدیران تدریجاً به کنترل صنعتگران و کارگران ماهری پرداختند که قبلاً بصورت مستقل کار می‌کردند. بدین ترتیب به نظر می‌رسید که کارآموزی دیگر نمی‌تواند با توجه به شرایط جدید مدل مناسبی جهت آماده ساختن افراد برای نظام صنعتی جدید باشد. مدیران تجاری و صنعتی از هر گونه راهبرد آموزشی جدید جهت آموزش کارگران و نیروی کار حمایت می‌کردند (لمکین، ۲۰۱۰).

حرفه‌گرایی در قرن بیستم

بطور کلی می‌توان گفت جنبش آموزش‌های حرفه‌ای در اواخر قرن نوزدهم در آمریکا و در واکنش به دو پدیده مهم شکل گرفت:

۱- تغییرات اقتصادی عمیق

s_s_movahed@yahoo.com

2. Bailey
3. Kysilka
4. Morris
5. Lamkin

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران



۲- تأکید رهبران سیاسی بر این نکته که مدارس می‌باید نیروی کار لازم را برای ساختار اقتصادی جدید کشور تربیت کنند. این اعتقاد که مدارس می‌باید با دنیای کار مرتبط شوند نشان‌دهنده تحولی بنیادین در رویکرد شهروندان نسبت به کارکرد مدارس در یک جامعه دموکراتیک بود. اگرچه تا قبل از این نیز مریبان تلاش می‌کردند تا مهارت‌های اساسی را آموزش داده و بر اهمیت صنعت و بهره‌وری در مدرسه تأکید کنند تا بدین ترتیب آموزش‌های حرفه‌ای را در کار خود وارد نمایند، اما اصلاح طلبان تعلیم و تربیت اواخر دهه ۱۹ و اوایل دهه ۲۰ سعی کردند تا آموزش‌های شغلی را بصورت نظام‌مند به دنیای مدرسه وارد کنند. وارد نمودن و نهادینه کردن آموزش‌های شغلی در مدارس نشان‌دهنده این اعتقاد دیرپای شهروندان آمریکا بود که مدارس می‌باید در قبال مجموعه‌ای از مسائل مختلف و پیچیده اجتماعی نظیر نیازهای نیروی کار، فقر، بیکاری، و تنش‌های طبقاتی پاسخگو باشند (راگا، ۲۰۱۰).

دست‌اندرکاران و تصمیم‌گیرندگانی که با این تحولات و انتظارات دست و پنجه نرم می‌کردند، آموزش‌های مهارتی^۲ را گزینه‌ای مناسب و امید بخش می‌دانستند. این نوع برنامه‌های درسی ماهیتی کاربردی داشته و در کنار اخلاق کار بر مهارت‌هایی چون طراحی صنعتی، نجاری، ابزارسازی، و مهارت‌های مشابهی تأکید می‌کردند که قابلیت کاربرد در صنایع مختلف را داشتند. در این دوره فعالیت‌های عملی به جای کتاب‌های درسی مطرح بودند. یکی از نوآوری‌های مهم برنامه درسی این دوره که تأثیر و محبوبیت زیادی پیدا کرد، برنامه درسی تدوین شده بوسیله «ویکتور دلاووس»^۳، مربی روسی تبار، بود. این برنامه درسی شامل تمریناتی درجه‌بندی شده بود که از لحاظ میزان دشواری به تدریج سخت‌تر می‌شدند و البته برخلاف کارآموزی منجر به مهارتی خاص نمی‌شد. هدف اصلی این برنامه آشنا ساختن جوانان با ابزار پایه و اساسی، فرایندهای خرید و فروش، و مواد کاری عمومی بود. اگرچه منتقدان این برنامه معتقد بودند که آموزش‌های مهارتی باعث می‌شوند تا دانش‌آموزان فرصت‌هایی ارزشمند را برای رشد فکری از دست دهند، اما مدافعان از مزایای آن استقبال و حمایت می‌کردند (مزایایی چون کاربردهای عملی، غنی ساختن آموزش‌های نظری، نهادینه ساختن ارزش‌های اخلاقی، سخت‌کوشی).

ضرورت و فوریت تربیت نیروی کار ماهر به تدریج بر طرح‌های مهارت‌آموزی سایه‌انداخت، به طوریکه به تدریج در سرتاسر کشور آمریکا مدارس حرفه‌ای تأسیس شده و برنامه‌هایی را برای مقاطع ابتدایی، راهنمایی، و دبیرستان عرضه نمودند. دانش‌آموزان ابتدایی مهارت‌های عملی و کاربردی را تمرین می‌کردند و نوجوانان در مدارس حرفه‌ای حضور می‌یافتند. در این مدارس پسران مهارت‌هایی چون نجاری، لوله‌کشی، و برقکاری را می‌آموختند و دختران خیاطی، خانه‌داری، ... در برخی مناطق نظیر "میلواکی"، صنعت‌گران و صاحبان صنایع از مهارت‌های کار در صنایع آهن و فولاد (مثل قالبسازی، مدل‌سازی، ابزارسازی، ریاضیات کاربردی، و طراحی صنعتی) استقبال می‌کردند. جالب است که در این دوره اعتقادات مریبان درباره نژاد، طبقه اجتماعی، و جنسیت بر تعیین اهداف و فرصت‌های یادگیری تأثیر بسزایی داشتند. برای مثال طرفداران اولیه مهارت‌آموزی ضرورت سخت‌کوشی و سخت‌کاری را برای دانش‌آموزان دیرآموز، فقرا، ایتام، بزهکاران اجتماعی، مهاجران، و اقلیت‌های قومی مورد تأکید قرار می‌دادند. بدین ترتیب مشاهده می‌کنیم که مدیران مدارس شبانه‌روزی ویژه هندی تبارهای آمریکا دانش‌آموزان خویش را به عنوان شهروندانی غیرمتمدن در نظر گرفته و بر مواردی چون لباس متحدالشکل، تک زبانی (انگلیسی)، آموزش کشاورزی، و اقتصاد خانواده تأکید می‌ورزیدند تا دانش‌آموزان این قومیت را با رسومات خویش بیگانه کرده و در فرهنگ اروپایی - آمریکایی جذب نمایند. از سوی دیگر برخی نیز بردگان آزاد شده آفریقایی تبار آمریکا را شهروندانی در حال توسعه می‌پنداشتند که برای بهبود جایگاه اجتماعی خویش پس از سال‌ها اسارت نیازمند مهارت‌هایی کاربردی چون

1. Wraga
2. Manual Training
3. Victor Della Vos



مکانیک، کشاورزی، و آهنگری بودند. این نوع نگاه نژادگرایانه باعث کاهش شدید دانش‌آموزان سفید پوست پسر در مدارس حرفه‌ای شد و ضرورت برنامه‌های کاربردی را تشدید کرد (موریس، ۲۰۱۰).

در طی سال‌های دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در مورد چستی و ماهیت اهداف مطلوب مقطع متوسطه برداشت‌ها و نظرات متفاوتی وجود داشت. یکی از این برداشت‌ها به گروهی تعلق داشت که از نهضت "بازگشت به پایه‌ها" حمایت می‌کردند. به عقیده این گروه هدف اصلی مدارس می‌باید آموزش مهارت‌های سه‌گانه (خواندن، نوشتن، حساب کردن) به همراه موضوعات درسی جداگانه باشد. دیدگاه این گروه انعکاسی از دیدگاه پیشینیان آنها بود که هدف آموزش متوسطه را تأمین حداقل صلاحیت‌های مورد نیاز دانش‌آموزان برای ورود به آموزش عالی می‌دانستند. گروهی دیگر از منتقدان آموزش و پرورش در این دوره بر مقطع متوسطه تمرکز کرده و بر ضرورت افزایش مشارکت جامعه در آموزش متوسطه تأکید نمودند. کمیسیون‌ها و کمیته‌هایی که در اواسط دهه ۱۹۷۰ از ایجاد اصلاحات در آموزش متوسطه حمایت می‌کردند بر مواردی چون برنامه‌های درسی مبتنی بر نیازهای اجتماع، ایجاد مسیرهای جدید برای انتقال از دنیای نوجوانی به بزرگسالی، و تمرکز بر دروس نظری و آکادمیک تأکید می‌ورزیدند. این گروه تقریباً همانند پیشینیان خود بر برنامه‌های درسی حرفه‌ای و مشارکت اجتماع تأکید می‌نمودند. تاکید این گروه بر سودمندی اجتماعی منجر به ظهور «آموزش‌های شغلی^۲» شد. آموزش‌های شغلی سعی می‌کردند برنامه‌های درسی را به نحوی تدوین نمایند که نوجوانان و جوانان را برای کسب درآمد در مشاغلی که می‌توانست برای آنها رضایت‌بخش و معنادار باشد آماده سازند. طرفداران اینگونه برنامه‌ها اعتقاد داشتند که آموزش‌های شغلی چیزی فراتر از آموزش‌های حرفه‌ای^۳ هستند. آموزش‌های شغلی می‌باید مؤلفه اصلی و ضروری برنامه‌های درسی عمومی بوده و در تمامی مقاطع و دروس تحصیلی (از ابتدایی تا متوسطه)، حضور داشته باشد. بر همین اساس بود که در سال ۱۹۷۴ و بر اساس «اصلاحیه قانون آموزش ابتدایی و متوسطه»^۴ آموزش‌های شغلی نخستین حمایت مالی خود را از دولت مرکزی آمریکا دریافت کردند. در این سال ۴۰ میلیون دلار از سوی دولت مرکزی برای حمایت از برنامه‌های درسی شغلی در بیش از ۴۰۰ مدرسه در آمریکا تخصیص داده شد. بالاخره وزارت آموزش و پرورش آموزش‌های شغلی را به عنوان یک اولویت به رسمیت شناخته بود. در سال ۱۹۷۶، مجموعه‌ای گسترده از پروژه‌های پژوهشی بر آموزش‌های شغلی تمرکز نموده و زمینه را برای طرح‌هایی که امروزه از «مدرسه - به - کار»^۵ نامیده می‌شوند فراهم نمود. در این دوره ۴ رویکرد برای آموزش‌های شغلی مطرح شد (لمکین و امانی، ۲۰۱۰).

الف- مدل مدرسه محور^۶: در این مدل برنامه درسی شامل هشت حوزه می‌شود: آگاهی شغلی، خودآگاهی، قدرشناسی، مهارت‌های تصمیم‌گیری، آگاهی اقتصادی، صلاحیت‌های راه‌اندازی کسب و کار، مهارت‌های اشتغال‌زایی، آگاهی آموزشی. این هشت حوزه سپس به هشت هدف آموزشی تبدیل می‌شوند که مهمترین آنها عبارتند از هویت شغلی، هویت فردی، مهارت‌های اشتغال، و جایابی شغلی. مربیان شغلی سعی کرده‌اند با استفاده از این مدل هم به نیازهای دانش‌آموزان در زمینه خود شکوفایی پاسخ دهند و هم الزامات دنیای کار برای نیروی کار ماهر را برآورده سازند. این رویکرد سعی دارد دانش‌آموزان را هم برای دنیای کار هم برای تحصیلات تکمیلی آماده سازد.

1. Back To Basics
2. Career Education
3. Vocational Education
4. Elementary and Secondary Education Act Amendments
5. School-to-work
6. School-based Model



ب- مدل کارفرما محور^۱: در این مدل بر آموزش‌های سالیانه تاکید شده و دانش‌آموزان در ورود و خروج مدرسه آزادی بیشتری دارند. برای مثال در مدل مذکور ممکن است دانش‌آموزی مهارت‌های شغلی ضروری برای منشی‌گری را آموخته و سپس به عنوان یک منشی از مدرسه به دنیای کار وارد شود. فرض کنید فردی به عنوان منشی در نزدیک حقوقدان کار می‌کند. وی در جریان کار خویش متوجه می‌شود که کارشناسی حقوق و دعاوی، شغل جالب و رضایت بخشی است. به همین دلیل مجدداً وارد مدرسه می‌شود تا مهارت‌های لازم برای شغل کارشناس دعاوی را کسب کند. همانطور که مشاهده می‌کنید مدل مذکور فرصت‌های بیشماری را برای آموزش، اکتشاف، و بازآموزی فراهم می‌سازد.

ج- مدل اقامتی^۲: هدف اصلی این مدل بازتوانی یا توانمندسازی کل خانواده است نه صرفاً نان آوران خانواده‌ها. در این مدل برنامه‌ای برای کل خانواده تجویز می‌شود که ممکن است شامل مشاوره، تفریح، خدمات خانه‌داری و آموزش‌های حرفه‌ای باشد. در این مدل اشتغال آموزش‌گیرندگان در پایان دوره اقامت تضمین شده و یا اینکه در کارهایی بدان‌ها کمک می‌شود.

د- مدل خانه محور^۳: این مدل تلاشی بود برای ایجاد سیستم‌های آموزش و یادگیری جهت افرادی که بین آموزش‌های رسمی و کاری گیر کرده بودند. البته این مدل هیچگاه عملیاتی نشد.

البته نتایج مطالعات بعدی نشان داد که مدل مدرسه محور نتوانسته بود تغییرات لازم و ضروری را در برنامه درسی، محیط مدرسه، آموزش ضمن خدمت معلمان، و دیگر زیر ساخت‌ها بوجود آورد. نتایج اجرای مدل کارفرما محور نشان داد که صاحبان صنایع و مشاغل از آمادگی لازم برای فراهم آوردن آموزش‌های نظری و رسمی برخوردار نیستند و تمایلی نیز بدین کار ندارند. مدل اقامتی به مدلی سنگین و پر هزینه تبدیل شد که اهدافی مبهم و نتایجی بسیار کم داشت. مدل خانه محور نیز به دلایلی چون کمبود بودجه نتوانست آموزش‌هایی متناسب با اهداف را تدوین کرده و به مرحله اجرا درآورد.

حرفه‌گرایی در عصر حاضر

برنامه‌های درسی حرفه‌ای امروزه در آمریکا دارای تنوع گسترده‌ای هستند و حیطه‌هایی چون کشاورزی، معماری، عمران، ارتباطات، حمل و نقل، بازرگانی، علوم رایانه، آشپزی، تعلیم و تربیت، مهندسی و فناوری، خانه‌داری، علوم بهداشتی، بازاریابی، فروش و خدمات در آنها مشاهده می‌شود. همچنین هر کدام از این حیطه‌ها خود دارای دروس و دوره‌های متفاوت و متنوعی نیز هستند. به هر حال با نگاهی کوتاه در می‌یابیم که در طول تاریخ، محل کار به عنوان مقصد نهایی یادگیری شناخته شده است و نه فرصتی برای یادگیری. اما قانون «از مدرسه به کار» در آمریکا دیدگاه جامع علمی نسبت به محیط کار را تغییر داده و توانسته است مفروضات سنتی مذکور را به چالش بکشد. امروزه محل کار به عنوان مکانی نگریسته می‌شود که می‌توان به تقویت آموزش و پرورش در آن پرداخت و از سوی دیگر چارچوبی جهت تصمیم‌گیری‌های شغلی درست برای دانش‌آموزان فراهم آورد (کای سیلکا، ۲۰۱۰).

منابع

- Bailey, Lucy E. (2010). Vocational Education Curriculum in *Encyclopedia of Curriculum Studies*. SAGE Publications, London, UK.
- Bailey, Lucy E. (2010). History of Vocational Education Curriculum. In *Encyclopedia of Curriculum Studies*, SAGE Publications, London, UK.
- Kysika, Marcella L. (2010). Comprehensive High School. In *Encyclopedia of Curriculum Studies*, SAGE Publications, London, UK.

1. Employer-based Model
2. Residential-based Model
3. Home-based Model



Kysilka, Marcella L. (2010). Alternative Schools. In *Encyclopedia of Curriculum Studies*, SAGE Publications, London, UK.

Kysilka, Marcella L. (2010). Charter schools. In *Encyclopedia of Curriculum Studies*. SAGE Publications, London, UK.

Lamkin, Marcia L. and Saleh, Amany. (2010). Magnet schools. In *Encyclopedia of Curriculum Studies*, SAGE Publications, London, UK.

Morris, Robert C. (2010). Career Education Curriculum. in *Encyclopedia of Curriculum Studies*, SAGE Publications, London, UK.

Morris, Robert C. (2010). History of Career Education Curriculum. In *Encyclopedia of Curriculum Studies*. SAGE Publications, London, UK.

Morris, Robert C. (2010). Technical Education Curriculum. In *Encyclopedia of Curriculum Studies*. SAGE Publications, London, UK.

Wraga, William G.(2010). Secondary school Curriculum. in *Encyclopedia of Curriculum Studies*, SAGE Publications, London, UK.